

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۸۳

شنبه ۹ تیر ۱۴۰۳، ۲۹ ژوئن ۲۰۲۴

مردم و سیرک انتخاباتی حکومت

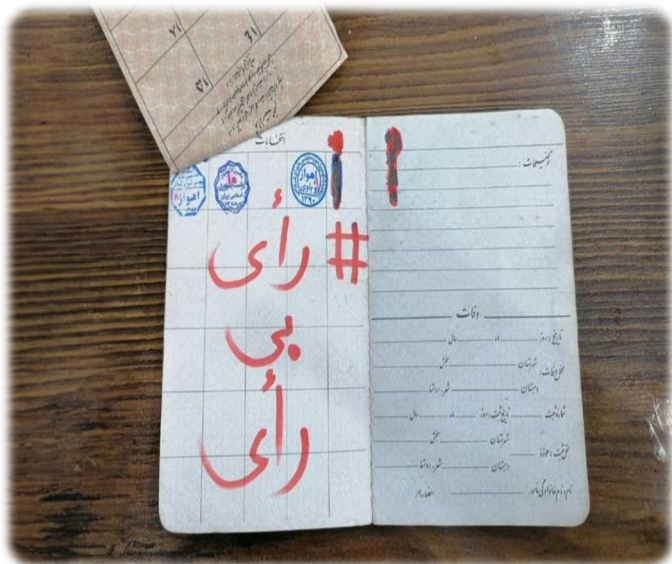
کاظم نیک‌خواه

حکومت اسلامی بالاخره انتخابات مسخره‌اش را برگزار کرد. طبق معمول و همان گونه که انتظار می‌رفت کمین دروغ‌پردازی و روضه‌خوانی حاکمین در مورد شرکت وسیع "امت در صحنه" شروع شده است و این قابل‌انتظار بود و مورد تمسخر مردم است. مردم واقعیت را به‌خوبی می‌دانند و این تقلاها و تلاش‌ها را به‌صورت پادوهایش می‌کوبند و بی‌پایگی آن را با هزار فاکت زنده نشان می‌دهند. اوضاع از قبل قابل‌پیش‌بینی بود. در هیچ دوره‌ای از نمایشات انتخاباتی حکومت، فراخوان علنی به شرکت‌نکردن و تحریم این نمایش مسخره توسط نهادهای متعدد مردمی، این چنین گسترده و علنی و قاطع نبوده است. کارگران هفت‌تپه، نهاد دادخواهان، شورای بازنشستگان، شورای تشکل‌های صنفی فرهنگیان، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، ندای زنان ایران، ال جی پی تی کیوها، و دیگر تشکل‌ها با قاطعیت اعلام کردند که این سیرک انتخاباتی ربطی به مردم ندارد و باید پای صندوق‌های ننگین حکومتی را خالی گذاشت. جوانان در شهرهای تهران و اصفهان و دیگر شهرها، پوسترهای انتخاباتی‌شان را پاره کردند. کارگران نفت در کانال شورای سازماندهی‌شان گفتند "رأی بی رأی". بسیاری از چهره‌های سیاسی با اسم‌ورسم به مردم فراخوان دادند که در این نمایش حکومتی شرکت نکنید. از درون زندان‌ها، پیام‌های زندانیان سیاسی بیرون داده شد که اعلام کردند حکومت باید برود و پای صندوق‌هایش را باید خالی ببیند. گوهر عشقی مادر دادخواه ستار بهشتی بر سرنگونی و بایکوت نمایش انتخاباتی حکومت تأکید کرد. در همه‌جا جنب‌وجوش گسترده‌ای علیه جمهوری اسلامی به جریان افتاد. از هفته‌ها پیش با اعلام برگزاری انتخابات حکومتی، یک‌بار دیگر فضای انقلاب زن زندگی آزادی خود را جلوی چشم قرار داد.

برای حکومت اجبار برگزاری انتخابات پیش از موعد، کابوسی بود که به‌ناچار در آن گرفتار شده بود و از آن راه فراری نداشت. حقیقت این است که رئیسی، آخوند مطیع و ناتوان و بی‌ارزشی در دستگاه حکومت بود. اما مرگ او بر عکس ضربه‌ای جدی بر دستگاه حاکم وارد کرد و در این شرایط برای حکومت بسیار گران تمام شد. مرگ رئیسی فرصتی به مردم داد که شادی کنند و به حکومت نشان دهند که از تمام دست‌اندرکارانش و سرتاپای آن متنفرند و خود را برای تعرضات و خیزش‌های گسترده بعدی برای سرنگونی آماده‌تر و متحدتر کنند.

اساس مسئله این است که در ایران از سال‌ها پیش علناً یک جنگ آشکار میان مردم و حاکمین در جریان است. این را مردم می‌دانند. حکومت می‌داند و دنیا می‌داند. به‌ویژه انقلاب زن زندگی آزادی

ادامه در صفحه ۲



ابعاد و جایگاه اعتصاب کارگران نفت

گفتگو با شهلا دانشفر

صفحه ۳

رقابت باندها بر سر سفره چپاول،

عزم مردم برای سرنگونی

محسن ابراهیمی

صفحه ۵

در حاشیه تصمیمات اخیر دولت کانادا

علیه جمهوری اسلامی

میلاد رابعی

صفحه ۶

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد

سیرک انتخاباتی حکومت

صفحه ۷

دولت کانادا مجوز برگزاری انتخابات قلبی به

جمهوری اسلامی نداد سایر دولت‌ها هم نباید

مجوز بدهند!

صفحه ۸

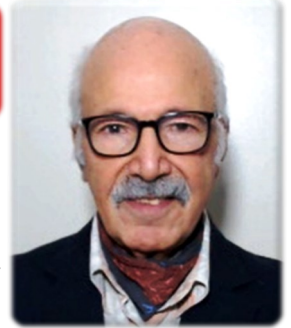
جولیان آسانژ آزاد شد!

صفحه ۹

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۰

مردم و سیرک انتخاباتی حکومت
از صفحه نخست



این تقابل مرگ و زندگی را به همه دنیا نشان داد که این جامعه ذره‌ای سر سازگاری با حاکمین اسلامی را ندارد و با آن در جنگ است. در یک‌سوی این جنگ اکثریت قریب‌به‌اتفاق مردم قرار دارند که با جنگ‌بوندان از آزادی و رفاه و زندگی دفاع می‌کنند و می‌خواهند با سرنگونی حکومت چپاولگر و متحجر اسلامی، به جامعه‌ای بدون اعدام و سرکوب و فقر و یکه‌تازی دست پیدا کنند. در سوی دیگر این جنگ حکومتی قرار دارد که با توحش و قتل و جنایت و اتکا به زندان و اعدام و تحجر تقلا می‌کند بر سر قدرت بماند و به چپاول و یکه‌تازی‌اش ادامه دهد. میلیون‌ها نفر از مردم در این جامعه سرنگونی طلبند، حق طلبند، دادخواه‌اند. مردم نمی‌توانند آبان خونین، نیرازهای ماهشهر، شلیک به کیان پیرفلک، اعدام فرزاد کمانگرها، قتل وحشیانه نیکا شاکرمی‌ها و هزاران جنایت دیگر را فراموش کنند. فقر و چپاول و شکاف‌های طبقاتی بیداد می‌کند. نفرت مردم از دستگاه مذهب گسترده است. حکومت هم دیگر قصد پرده‌پوشی دزدی‌ها و جنایاتش را ندارد و هر روز دزدی‌ها و اختلاس‌های تازه‌ای رو می‌شود و هر روز جنایتی تازه را رقم می‌زند. ساده‌ترین اعتراضات مردمی با تقابل نیروهای سرکوب مواجه می‌شود و خیلی زود رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرد.

در این شرایط طبیعی است که همه چیز از جمله مضحکه انتصاب یک‌مهره جدید به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید حکومت نیز در پرتو این جنگ و این کشاکش رقم می‌خورد و از آن تأثیر می‌پذیرد. نمایش انتخاباتی ای که قرار است رئیس دستگاه سرکوب و اجرایی این حکومت را تعیین کند، و در میانه این جنگ اجتماعی قرار است انجام شود، نمی‌توانست از همان ابتدا مهر جنگ مردم با حکومت را بر خود نداشته باشد و نداشت. تصفیه‌های وسیع کاندیداهایشان، مناظره‌های مسخره‌شان، لپخندهای رأی جمع کنی کرپه‌شان، کنارگذاشتن مهرزدن شناسنامه‌ها برای راحت‌تر مهندسی کردن صندوق‌هایشان، و به میدان کشیدن مهره‌های سوخته‌ای مثل خاتمی و روحانی و مهره‌های دوخردادی دیگرشان، همه‌همه رنگ و بوی وحشت‌زدگی تمام جناح‌های حکومتی از سرنگونی و انقلاب زن زندگی آزادی را با خود داشت و مردم همه اینها را دیدند و جوابشان را علناً دادند و با اسم‌ورسم گفتند رأی بی رأی و انتخاب ما سرنگونی است، و انتخابات حکومتی، یک سیرک مسخره در جبهه دشمنان منزوی و منفور ماست و ما به آن تف می‌کنیم.

اینکه چه کسی را از صندوق به‌عنوان جانشین رئیسی. جلال بیرون می‌کشند چندان تأثیری بر اوضاع ندارد. همه‌شان یک کتافت‌اند. همه‌شان جنایت‌کار مطیع "رهبر قاتل" و جنایت‌کارند. اما نتیجه کل این انتخابات کنایی در تحلیل نهایی درهم‌ریختگی بیشتر صفوف حکومت و پیشروی و پیروزی ما مردم را نشان خواهد داد و شروع توازن قوای جدیدی به نفع مردم را ثبت خواهد کرد. چراکه مردم باروحیه بالاتر و متعرض‌تری با هم متحد شدند تا در روزهایی نه‌چندان دور با ادامه انقلاب زن زندگی آزادی، آخرین ضربه را بر بیکر این ماشین جنایت، این نیروی منفور حافظ عقب‌ماندگی و توحش وارد کنند و به این دوران تحجر و چپاول پایان دهند. بدون تردید فوران مجدد انقلاب زن زندگی آزادی در ابعاد فراگیرتر و سازمان‌یافته‌تر دور نیست.*

در همه‌جا سیستم سرمایه‌داری سیستم فقیر سازی مداوم کارگران است. کارگر در سیستم سرمایه‌داری مدام فقیرتر می‌شود. کارگر با کارش حداکثر هزینه زنده‌ماندنش را تأمین می‌کند. این یک حقیقت و یک واقعیت بسیار جدی در نظام سرمایه‌داری است که در سراسر جهان امروز قابل مشاهده است. رشد عظیم و باورنکردنی تکنولوژی و باور آوری کار که نسبت به قبل صدها برابر افزایش یافته یک‌ذره به بالا رفتن سهم کارگر از تولید نینجامیده است. مزد کارگر همه‌جا همچنان حداکثر در حدی است که کفاف زنده‌ماندن او و خانواده‌اش را می‌دهد. ساعات کارگران علی‌رغم جدال‌های بسیار همچنان عملاً بالاست. کارگران ظاهراً در اکثر کشورها هشت ساعت کار می‌کنند. این هم با جنگ و جدل‌های بسیار به صورت قانون در آمده. اما عملاً حتی در جوامع پیشرفته سرمایه‌داری کارگران برای اینکه کمی بهتر از حد بخورونمیر سهم ببرند مجبورند ده ساعت و دوازده ساعت و بیشتر در روز کار کنند. اضافه کاری جزء جدایی‌ناپذیری از سیستم کار کارگران است. (سرمایه داری را بشناسیم، کاظم نیکخواه)

ابعاد و جایگاه اعتصاب کارگران نفت گفتگو با شهلا دانشفر



جامعه چگونه می‌بینید؟

انترناسیونال: هم اکنون هزاران کارگر پروژه‌های نفت در اعتصاب‌اند. شما مکان این اعتصابات را در شرایط سیاسی امروز

شهلا دانشفر: اعتصاب هزاران کارگر پروژه‌های در ۱۵ شرکت نفت و گاز در این مرکز کلیدی اقتصاد کشور در فضای انقلابی جامعه که استارتش در آستانه مضحکه انتخاباتی حکومت زده شد، یک اتفاق سیاسی مهم در فضای کنونی جامعه است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در گزارش خبری از این اعتراضات ضمن تأکید بر مطالبات فوری کارگران با اشاره به حاکمیت چند دهه بساط استعمار و بردگی و چپاولگری‌های پیمانکاران مفت‌خور در نفت بر اینکه دیگر به این بردگی تن نخواهند داد تأکید کرده و نوشت: "ما مطالبه گریم و همانطور که بازنشستگان عزیز در خیابان فریاد زدند، همانطور که مردم صدایشان بلند شده است، حرف ما هم همین است: رأی پی رأی! ". با این گفته کارگران اعتصابی نفت بر روی کل سیرک انتخاباتی حکومت خط بطلان کشیدند. همین اشاره کوتاه بیانگر موضع و موقعیت کارگران نفت و فضای حاکم بر نفت است و تأثیر خود را بر کل جنبش کارگری و اوضاع جامعه گذاشته و توجه زیادی را به خود جلب کرده است.

انترناسیونال: اما پیش از اینکه به اعتصابات اخیر بپردازیم، کمی به عقب برگردیم. در سال‌های اخیر شاهد فضای اعتراضی شدیدی در صنعت نفت و سایر صنایع وابسته به آن بوده‌ایم. لطفاً کمی درباره عروج این اعتراضات و جو حاکم بر نفت پس از انقلاب زن زندگی آزادی بگویید.

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردید کارگران نفت در چندین سال اخیر اعتراضات گسترده‌ای داشته و ضربه محکمی بر فضای پادگانی حاکم بر نفت زده‌اند. این کارگران با توجه به جایگاه کلیدی ای که در اقتصاد کشور دارند و به‌خاطر مسائلی که با آن درگیر بوده‌اند، با مبارزاتشان به یک ستون مهم مبارزه علیه ساختارهای اساسی سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند. از جمله حذف پیمانکاران مفت‌خور از نفت که کنترل آنها بر سراسر نفت گسترش یافته است. مبارزه برای لغو انواع قراردادهای موقت کاری و نیز مبارزه علیه قوانین به‌شدت استثمارگرانه حاکم بر مناطق ویژه اقتصادی موضوعات مهم اعتراضات بخش‌های مختلف کارگران نفت است و این موضوعات محدود به کارگران نفت نیست؛ بلکه سراسری هستند. طبق آمارهای حکومتی بیش از ۹۳ درصد از قراردادهای کاری در سطح جامعه که حتی بخشی از معلمان و پرستاران را هم در بر می‌گیرد به‌صورت پیمانی و قرار داد موقت است. طی حاکمیت جمهوری اسلامی بیش از نود منطقه ویژه اقتصادی شکل گرفته‌اند که حتی همان قانون کار کذایی هم شامل کار کارگران در این مناطق نمی‌شود و در آنها استثمار وحشیانه حداکثری رس کارگران را کشیده است. این چنین است که اعتراضات گسترده کارگری علاوه بر جایگاه ویژه خود به‌عنوان یک مرکز کلیدی در اقتصاد کشور، تأثیر مستقیمی بر قدرت‌گیری کل جنبش کارگری داشته است.

اعتراضاتی با این ابعاد در کنار اعتراضات گسترده در میان بخش‌های مختلف کارگری فاکتور مهمی در تغییر توازن قوای جامعه به سود اعتراضات وسیع مردمی و کشیده‌شدن جامعه به فضای انقلابی سال

۱۴۰۱ در سطح جامعه بود. قتل دختر جوان زنده‌یاد مهسا امینی جرقه‌ای بود که خشم و نفرت انباشته شده مردم از حکومت را شعله‌ور ساخت و انقلاب زیبای زن زندگی آزادی شکل گرفت. همراه با انقلاب جنبش کارگری در حرکت بود. از جمله در همان اوایل انقلاب زن زندگی آزادی در نوزده مهر ۱۴۰۱ بود که کارگران پروژه‌های شاغل در عسلویه با شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای به اعتراضات مردمی در کف خیابان پیوستند. بدین ترتیب فضای نفت نیز بعد از انقلاب زن زندگی آزادی مثل اعتراضات دیگر بخش‌های جامعه رنگ انقلاب را به خود گرفت. در آبان‌ماه همین سال اعتراضات گسترده کارگران رسمی در نفت در اعتراض به عدم اجرای مطالبات معیشتی و کاری‌شان را داشتیم و هم‌زمان در میان بخش‌های دیگر کارگران شاغل در نفت اعتراضات جریان داشت. در آذرماه ۱۴۰۱ بود که شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت طی بیانیه‌ای به گسترش اعتراضات برای مقابله با اعدام‌ها و در محکومیت قتل مجیدرضا رهنورد و محسن شکاری تأکید کرد و کارگران را به پیوستن به روزهای اعتراضی اعلام شده برای ۲۶ آذر فراخواند. در این روز کارگران رسمی نفت در مناطق مختلفی چون عسلویه، ماهشهر، تنگ بیجار، گچساران، جزیره خارک، اهواز و محمودآباد در اعتراض به بدتر شدن وضع معیشتی خود و برای پیگیری خواست‌های برحقشان دست به اعتصاب زدند و تجمعات بزرگی برگزار کردند. تجمعاتی در چنین ابعاد از سوی کارگران رسمی نفت در طول چند دهه اخیر بی‌سابقه بود. شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت در همین مقطع تمامی کارگران رسمی و غیررسمی، پیمانی و پروژه‌ای و ارکان ثالثی و روزمزدی، در تمام بخش‌های نفت در عسلویه، کنگان، در بخش‌های حفاری و عملیاتی، در بخش‌های سوخت، در پالایشگاه‌ها و پتروشیمی و صنایع وابسته نفت را به پیوستن به فراخوان‌های سراسری برای اعتراض روزهای ۲۸ تا ۳۰ آذر علیه اعدام‌ها و سرکوب‌ها فراخواند. در ادامه اعتراضات متوالی کارگران در نفت نیروهای چارت پالایشگاهی برای سوم دی‌ماه کارگران ارکان ثالث در همه فازهای پالایشگاهی را با تأکید به سه مطالبه حذف پیمانکاران، اجرای طبقه‌بندی و افزایش حقوقها به تجمع اعتراضی و سراسری فراخواندند. کارگران ارکان ثالث نیز با خواست فوری پایان دادن به احضارها و تهدیدات امنیتی وارد اعتصاب شدند. در همان مقطع بخشی از کارگران رسمی نفت نیز در سکوهای گازی و پتروشیمی با خواست افزایش دستمزدها و حذف سقف تعیین حقوق و دیگر مطالباتشان دست به تجمع و اعتصاب زدند و عین همین حرکت اعتراض در پالایشگاه نفت آبادان نیز صورت گرفت. بدین ترتیب اعتراضات کارگران رسمی نفت تا پایان سال ۱۴۰۱ در مراکز مختلف نفتی جریان داشت. هم‌زمان شاهد اعتراضات متوالی کارگران ارکان ثالث در مراکز مختلف نفت با خواست محوری حذف پیمانکاران و افزایش حقوقها بودیم. در همین مقطع شاهد تجمع بزرگی از سوی کارگران قرارداد موقت شاغل در شرکت ملی نفت ایران در تهران در اعتراض به عیدی تحقیرآمیز یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومانی مقابل ساختمان این شرکت بودیم.

گفتنی است که شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت یکی از امضاکنندگان منشور ۱۲ بندی خواست‌های حداقلی بیست شکل کارگری - اجتماعی بود که در ۲۵ بهمن انتشار

ابعاد و جایگاه اعتصاب کارگران نفت

از صفحه ۳

یافت. منشوری که یک سند مهم انقلاب زن زندگی آزادی است و نقش مهمی در تعمیق انقلاب داشت.

به طور خلاصه بخش‌های مختلف مراکز نفت، گاز و پتروشیمی در سال ۱۴۰۱ کانون داغ اعتراضات کارگری بود.

در آغاز سال ۱۴۰۲ اعتراض مصوبه مزدی شورای عالی کار و تعیین حداقل دستمزد چند بار زیر خط فقر یک موضوع اعتراض کارگران در نفت بود. در اردیبهشت این سال کارگران پروژه‌های نفت دور جدیدی از اعتراضات سراسری با مطالبه افزایش دستمزدها مطابق لیست درخواستی خود و بیست روز کار و ده روز استراحت را آغاز کردند و هزاران کارگر در صد و ده مرکز نفت و گاز نفت، پتروشیمی، پالایشگاه‌ها، معادن، نیروگاه‌ها و پروژه‌های فولادی دست به اعتصاب زدند. این اعتراضات با موج گسترده‌ای از حمایت از میان کارگران و تشکل‌های کارگری - اجتماعی و فعالین دفاع از حقوق زن روبرو شد.

شهریورماه در یک‌سالگی انقلاب زن زندگی آزادی هشت تشکل کارگری - اجتماعی از جمله شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در بیانیه‌ای مشترک بیانیه‌ای دادند و در آن بر ادامه انقلاب و اعتراض سراسری علیه سرکوب و اعدام تأکید کردند.

در ادامه اعتراضات در بخش‌های مختلف نفت ادامه داشت و در مهرماه تجمعات اعتراضی کارگران

رسمی نفت در اعتراض به تعرضات معیشتی حکومتی آغاز شد که همچنان ادامه دارد.

یک اتفاق مهم در اعتراضات کارگران نفت در سال ۱۴۰۲ تجمع اعتراضی کارگران قراردادی وزارت نفت اعم از قراردادی‌های ملی حفاری و کارکنان پالایشگاه نفت آبادان، در ۱۲ مهر در مقابل ساختمان مدیریت شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب در اهواز در اعتراض به مطالبات ۱۰ ساله زمین‌مانده کارگران قراردادی و با مطالبه لغو انواع قراردادهای موقت کاری بود که مطالبه‌ای سراسری در جامعه است. در همین رابطه در بیست و نهم مهرماه گروه‌هایی از کارگران قراردادی (معین) ستادی مناطق نفت‌خیز جنوب، شرکت فلات قاره و منطقه یک عملیات انتقال گاز میانکوه مقابل ساختمان مدیریت مناطق نفت‌خیز در اهواز تجمع کردند. اتفاق مهم دیگر در این سال تجمعات متوالی و با شرکت وسیع کارگران ارکان ثالث با مطالبه مهم حذف پیمانکاران است که مطالبه سراسری در نفت است.

در چنین فضایی از اعتراض و مبارزه هشت تشکل کارگری - اجتماعی از جمله شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت و ارکان ثالث میثاق ۱۴۰۳ را منتشر کردند. این میثاق تأکیدی بر منشور خواست‌های

حداقلی بیست تشکل به‌عنوان پلاتفرم مبارزاتی صفوف مردم بود.

اکنون در دل این شرایط است که هزاران کارگر پروژه‌های نفت در ۱۱۵ مرکز گاز و نفت وارد اعتصاب شده‌اند. بدین ترتیب صنعت نفت در چند ساله اخیر و به‌ویژه بعد از انقلاب زن زندگی آزادی یک کانون داغ اعتراضات بوده و همانطور که اشاره شد، رنگ انقلاب را بر خود دارد.

انترناسیونال: اعتصاب جاری کارگران پروژه‌های نفت که کمپین ۱۴-۱۴ خوانده می‌شود، چگونه آغاز شد؟ اگر ممکن است توضیحاتی درباره این اعتصابات و خواست‌ها و مطالبات آن بیان کنید.

شهلا دانشفر: ببینید! پیمانکاران مفت‌خور نفت حتی حاضر به قبول همان افزایش دستمزد ۳۵ درصدی شورای عالی کار نشدند و کارگران پروژه‌های پیمانی نفت به آن اعتراض دارند و خواست آنها افزایش حقوقها، حذف پیمانکاران و ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت است. کارگران از همان اول سال اولتیماتوم دادند که اگر تا پایان خردادماه به مطالباتشان پاسخ داده نشود با اعتصاب سراسری خود به میدان می‌آیند. با پاسخ نگرفتن این مطالبات است که اکنون کارگران اعتصاباتی در چنین ابعادی با نام مشخصه کمپین ۱۴-۱۴ وارد اعتصاب شده‌اند. کارگران اعلام کرده‌اند که اگر پاسخ نگیرند به اعتصابات خود ادامه خواهند داد و به طور واقعی هر

روز شمار بیشتری از مراکز کاری به اعتصاب می‌پیوندند. در برابر این اعتصابات پیمانکاران توطئه‌گری‌های خود را آغاز کرده‌اند. از جمله تلاش می‌کنند به جای کارگران اعتصابی کارگر جدید به کار گیرند و حتی مزد بیشتری به آنان بپردازند. اما جالب اینجاست این نیروها حاضر به قبول کار نشده‌اند. این خود نشانه حمایت عملی کارگران از اعتصاب است. تأکید من بر حمایت گسترده از اعتصاب کارگران اعتصابی

است. تأکید من بر همراهی دیگر بخش‌های نفت به اعتصاب است. به‌ویژه اینکه خواست‌های مشترکی آنها را با این اعتصابات پیوند می‌دهد. بالاخره اینکه یک تأکید مهم شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی بر این است که اگر کارگران هر بخش جداگانه وارد قرارداد شوند، کارفرمایان از آن برای تفرقه‌افکنی در صف اعتصاب استفاده خواهند کرد. به همین دلیل بر بستن قرارداد سراسری از طریق نمایندگان منتخب کارگران تأکید کرده است و این نکته مهمی است و من نیز تأکید برجسته‌ای بر این گفته دارم.*



اتحاد اتحاد

علیه فقر و فساد

رقابت باندها بر سر سفره چپاول، عزم مردم برای سرنگونی



محسن ابراهیمی

هر جنبه و هر جلوه‌ای از صحنه سیاسی ایران از انقلاب زن زندگی آزادی عمیقاً و به نحوی غیرقابل بازگشت متأثر شده‌اند. امروز، در جامعه ایران همه اتفاقات، مخصوصاً اتفاقاتی که مستقیماً سیاسی هستند، تفاوت‌های جدی با گذشته دارند. شناخت و تصویر مردم از خودشان، توانایی‌هایشان، ابعاد عظیم مخالفت رادیکال در جامعه، درجه بالای همبستگی سیاسی، عزم سراسری برای پایان‌دادن به نظام اسلامی، ابعاد توحش دستگاه امنیتی در مقابل خطر سرنگونی و درعین‌حال روحیه باختگی نیروهای میدانی دستگاه سرکوب و در نقطه مقابل جسارت و شجاعت مردم به‌پاخاسته و بالاخره موقعیت حکومت اسلامی در جهان به نفع مردم به‌پاخاسته در مقابل حکومت اسلامی تغییر کرده است.

انتخابات حکومتی هم مثل همه رویدادهای دیگر نمی‌تواند حال و هوای قبل از خیزش‌های اخیر مشخصاً انقلاب زن زندگی آزادی را داشته باشد. حکام اسلامی همیشه سعی کرده‌اند بگویند اسلامی هستند؛ اما جمهوری هم هستند. معرکه‌های انتخاباتی همیشه در خدمت این بوده است که از حکومت اسلامی - حکومت خودکامه‌ای که در فلسفه سیاسی بنیان‌گذارش "اسلام آمده است مردم را راه برد همانطور که چوپان گوسفندان خودش را راه می‌برد" - تصویر مردمی ارائه کنند!

ما دانیم که جریان اصلاح‌طلب در مهندسی چنین تصویری نقش اساسی داشت. اینها همان بنیان‌گذاران جمهوری اسلامی، عاملین جنایت سازمان‌یافته علیه مردم هستند که برای مدتی با ژست "گفتگوی تمدن‌ها" در جهان، و حقوق شهروندی در ایران توانستند بخش‌هایی از مردم را با هر محاسبه‌ای و هر هدفی از طرف همین مردم، به پای صندوق‌های رأی بکشند و چهره‌ای تماماً وارونه از یک حکومت آدمکش به تصویر بکشند. همین‌ها امروز به چه وضعی افتاده‌اند؟ یک شخصیت دست‌چندمشان که کاملاً حساب شده از قیف شورای نگهبان عبور کرده است، اولین حرفش به مردم این است که "ذوب در رهبری" است و توهین به آقا را بر نمی‌تابد. کارت‌هایشان آن‌چنان سوخته است که ظریف را روی میز زده‌اند که به‌خاطر نقش فعالش در خون‌شویی حکومت اسلامی در انظار مردم جهان عمیقاً مورد تنفر است و رهنمود انتخاباتی‌اش به شیادان حاکم این است که اگر "اگر می‌خواهید مردم را با عدد سرشان را شیره بمالیم، درست بمالیم!"

از نظر مردم مهم نیست که چقدر احتمال دارد فرد موردنظر این جماعت حقیر و ورشکسته سیاسی به باستور راه یابد؛ مهم این است که پس‌مانده‌های سرگردان اصلاح‌طلبان تصور می‌کنند که هنوز با ایفای نقش فعال در سیرک انتخاباتی حکومتشان، می‌توانند عصبانی هر چند پوسیده زیر بغل نظام اسلامی بگذارند. گریخ‌ایری از پشت میله‌های زندان خطاب به این شیادان همیشه در صحنه گفت: "شما نه برای پیروزی در انتخابات بلکه برای شکست مردم به میدان آمده‌اید" و آینده تیره و تارشان را مقابل چشمانشان گرفت: "روزی که مردم در کف خیابان و با جمهوری اسلامی تعیین تکلیف کنند، با شما لگدخوردگان و فرصت‌طلبان و به حق، ماله‌کشان رژیم که نامتان به ننگ بر تارک سپهر سیاسی ایران نقش بسته است نیز تسویه‌حساب خواهند کرد و این کشتی خوف را با تمام سر نشینانش به قعر خواهند فرستاد."

یک تلاش مهم حکومت همیشه این بوده که با شعبده‌های انتخابات مردم را

سخنان اخیر خامنه‌ای نشان می‌دهد که او هنوز احمقانه آرزو می‌کند پای صندوق‌ها شلوغ باشد؛ اما امیدی به آن ندارد. حتی تصورش را هم نمی‌کند که ترفندهای قبلی کارساز باشد و اراجیفی از زاناش جاری می‌شود که به‌جای جلب مردم برای حضور در سیرک، عملاً آنها منزجرتر و مصمم‌تر برای برچیدن این بساط حکومتی می‌کند. همان خامنه‌ای که در انتخابات‌های قبلی می‌گفت حتی اگر نظام اسلامی را هم قبول ندارید، پای صندوق بایید، امروز می‌گوید هر کس معتقد به حمایت از نظام جمهوری اسلامی است باید در انتخابات شرکت کند؛ می‌گوید اگر رأی بدهید؛ یعنی نظام اسلامی را قبول دارید؛ می‌گوید "دوام و قوام و عزت و آبروی جمهوری اسلامی در دنیا متوقف به حضور مردم است. برای اثبات صحت و صداقت نظام جمهوری اسلامی حضور مردم لازم و واجب است."

این سخنان خطاب به مردمی است که در سه خیزش توده‌ای بزرگ در هفت سال گذشته، در کف خیابان فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده‌اند و کلیت نظام اسلامی را به چالش کشیده‌اند. مردمی که در اوج این خیزش‌ها یعنی انقلاب بزرگ "زن زندگی آزادی"، یکی از مهم‌ترین ستون‌های ایدئولوژیک - سیاسی حکومت، حجاب اجباری را در هم شکسته‌اند؛ مردمی که هنوز هم در کمین نشسته‌اند تا ضربه نهایی را بر ارکان این حکومت وارد آورند. خامنه‌ای باید ابله باشد که نداند چنین اظهاراتی از طرف او که به‌عنوان تجسم همه جنایات‌ها و شقاوت‌ها و فسادها و تباهی‌های حکومت شناخته می‌شود و منفورترین شخص نظام است، برای به شکست کشاندن قطعی ده سیرک انتخاباتی هم کافی است.

سخنان خامنه‌ای در این دور نمایش انتخاباتی نشان می‌دهد که مخاطب او اکثریت عظیم مردم نیست. مخاطبش جمعیتی محدود است که به اشکال مختلف، مستقیم و غیرمستقیم، با حضور در شبکه سیاسی، امنیتی، قضایی، سپاه، بسیج، نهادهای مذهبی و ایدئولوژیک مثل مساجد و هیئت‌ها و امامان جماعت و تعلقشان به صف آقازاده‌ها در سفره چپاول سهمیه‌اند. به این اعتبار، امروز انتخابات برای جمهوری اسلامی عملاً مکانیسمی و کانالی برای تقسیم قدرت و ثروت میان باندهای مختلف مافیای حکومتی است.

واکنش و تحرک اعتراضی گسترده مردم علیه این دور از نمایش انتخاباتی نشان می‌دهد که گذشت آن زمان که با میدان‌داری جناح اصلاح‌طلب بازی انتخابات راه می‌انداختند تا به تداوم عمر نظام اسلامی کمک کنند. بعد از خیزش‌های اخیر با عزم پایان‌دادن به نظام اسلامی، مخصوصاً بعد از انقلاب زن زندگی آزادی، انتخابات عملاً به فرصتی برای ابراز وجود همبسته مردم، فرصتی برای نمایش عزم مردم برای سرنگونی تبدیل شده است. صحنه سیاسی ایران در همین چند روز اخیر گواه این حقیقت سیاسی است.*

در حاشیه تصمیمات اخیر دولت کانادا علیه جمهوری اسلامی



میلاذ ربیعی

تصمیم دولت کانادا ضمن حقانیت بخشیدن بیشتر به کسانی که برای بایکوت رژیم تلاش می‌کنند بار سنگین‌تری را از پیش بر شانه این نیروها می‌گذارد. باید تمام کشورهای اروپایی را با اتکا به این تجربه زیر فشار گذاشت. باید افکار عمومی این کشورها را خطاب قرار داد و قطع رابطه با جمهوری اسلامی را به مطالبه شهروندان این کشورها بدل کرد. حکومت اسلامی شاید بتواند با وجود تحریم‌های اقتصادی به حیات ننگین خود ادامه دهد و فشار اصلی تحریم‌ها را بر گرده مردم بگذارد؛ اما هیچ حکومتی در جهان در انزوا و بایکوت سیاسی نمی‌تواند دوام چندانی داشته باشد. همانطور که بارها گفته‌ایم تحقق بایکوت جمهوری اسلامی عملاً به‌مثابه سرنگونی آن در خارج کشور است. اتفاقی که در صورت وقوع، سرنگونی کامل نظام را در پی خواهد داشت.*



مجازات اعدام باید فوراً لغو
گردد. اعدام یا هر نوع
مجازات متضمن تعرض به
جسم افراد (نقص عضو، تنبیه
بدنی، و غیره) تحت هر
شرایطی ممنوع است.
همچنین مجازات حبس ابد
باید لغو شود.
(یک دنیای بهتر)

همانطور که در خبرها و دو اطلاعیه حزب کمونیست کارگری مندرج در همین شماره انترناسیونال می‌خوانیم، دولت کانادا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست نیروهای تروریستی خود قرار داد و در اقدامی دیگر اجازه برگزاری سیرک انتخاباتی رژیم در خاک کانادا را نداد.

اقدام اول و گنجاندن سپاه در لیست تروریستی یک خواست و مطالبه جدی مردم ایران و جنبش‌های اعتراضی مختلف است. عملکرد سپاه چه در داخل ایران و چه تحت نام نیروی قدس و در سراسر جهان برای هیچ فرد منصفی کوچک‌ترین تردیدی باقی نگذاشته که یک نیروی هار تروریستی است و برای انجام مقاصد خود از هیچ جنایتی کوتاهی نکرده و نمی‌کند. لیست این جنایات غیرقابل‌شمارش و برآورد است. تمام کشورهای غربی نیز کاملاً به این امر واقف هستند و عامدانه این حقیقت بارز را نادیده می‌گیرند تا همچنان با مماشات با حکومت اسلامی بتوانند منافع اقتصادی و سیاسی خود را تأمین کنند.

به دلیل اصطکاکاتی که در سال‌های اخیر میان حکومت ایران و کانادا پیش آمد و تلاش نیروهای مختلف مخالف رژیم و افشاگری‌های وسیع آن‌ها، دولت کانادا که از پیش روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرده بود این تصمیم مهم را اتخاذ کرد. روشن است که این تصمیمی آبی و خلق‌الساعه نبود. تلاش‌های قابل‌ستایش فراوانی در این راه صورت گرفت که همه آنها در این موضوع، نقش مهمی ایفا می‌کنند.

در سال‌های اخیر بسیاری از سران سابق و اسبق رژیم اسلامی به دلایل مختلف به کانادا فرار یا مهاجرت کرده‌اند. کسانی که بخشی از آنها با سپاه در ارتباطی نزدیک بوده‌اند و تصمیم اخیر دولت کانادا می‌تواند زمینه را برای اجرای عدالت در مورد آن‌ها فراهم کرده و فصل تازه‌ای برای جنبش دادخواهی بگشاید.

مسئله دوم؛ یعنی ممانعت از برگزاری "انتخابات" رژیم در کانادا نیز دلایلی مشابه تصمیم پیشین دولت کانادا دارد. این موضوع هم برای هر عقل سلیمی به‌سادگی قابل‌درک است و عدم اجرای آن توسط سایر کشورها تا کنون به زد و بندهای دیپلماتیک مربوط است. هیچ کشور غربی حاضر نیست زیر آن چه در ایران تحت نام "انتخابات" انجام می‌شود امضا بگذارد. این سیرک و مضحکه مهوع تحت هیچ استاندارد و برداشتی از مفهوم انتخابات نمی‌گنجد. یک قلم موضوع نظارت استصوابی شورای نگهبان کافی است تا این معرکه را نتوان انتخابات نامید. بگذریم از صدها دلیل دیگر.

اتخاذ این دو تصمیم از سوی کانادا تنها آغاز راهی است که بسیاری برای آن تلاش کرده‌اند و ما امیدواریم به بایکوت جهانی جمهوری اسلامی ختم شود. این پروسه باید از یک کشور معین آغاز می‌شد تا بتوان همان را به‌عنوان یک سند و نمونه جلوی سایر کشورهای اروپایی گرفت. هر پروسه نقطه شروعی دارد و من امیدوارم این تصمیمات نقطه شروع بایکوت جهانی جمهوری اسلامی باشد. در موقعیت حاضر و باتوجه‌به شرایط جامعه جهانی این نقطه آغاز به‌سختی می‌توانست سازمان ملل و اجماع کشورها بر سر این موضوع در شورای امنیت باشد. اما این اقدامات دولت کانادا می‌تواند راهگشای انزوی سیاسی حکومت ایران در جهان باشد. نمونه اخیر بیش از هر زمان این مهم را نشان داد که بایکوت رژیم شدنی و عملی است و جنبه تهییجی ندارد.

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد

سیرک انتخاباتی حکومت

خامنه‌ای و کل نظام تبدیل شده است. دانشجویان دانشگاه تهران چپری برای پزشک‌های اصلاح‌طلب و خامنه‌ای و نظام باقی نگذاشتند و دانشجویان دانشگاه تبریز سالن تبلیغاتی قاضی‌زاده اصول‌گرا را به‌عنوان اعتراض خالی کردند.

فضا اما در میان مردم علیه حکومت و مضحکه انتخاباتی‌اش داغ است. دادخواهان در دیدارهایشان پیام ایستاده‌ایم تا پایان می‌دهند و دانشجویان و دانش‌آموزان و فعالین حقوق زن در بیانیه‌شان اعلام کردند که رأی و انتخاب ما انقلاب زن زندگی آزادی است. بیش از ۵۰۰ معلم در بیانیه‌ای اعلام کردند که انتخابات معنایی جز پذیرش و تأیید وضع تحمیلی کنونی و توهین به شعور اجتماعی مردم ندارد و نتیجه و عملکرد دولت‌ها در جمهوری اسلامی برای مردم یکسان است. بازنشستگان در تجمعاتشان علیه نمایش انتخابات رژیم شعار می‌دهند و مردم را فرامی‌خوانند که این بار نیز مانند انتخابات مجلس "سیلی محکمی بر گوش مستبدان و خودکامگان" بزنند، زندانیان سیاسی علیه این نمایش بیانیه صادر می‌کنند، زنان همچنان در ابعاد میلیونی با بی‌حجابی به حکومت دهن کجی می‌کنند و کارگران نفت چند روز مانده به رأی‌گیری اعتصاب سراسری و پرقدرتشان را شروع کرده‌اند و اعلام کرده‌اند "رأی بی رأی".

این فضای اعتراضی را باید هر چه بیشتر گسترش داد. باید پوسترها و بیلبوردهای تبلیغاتی‌شان را به آتش کشید، تبلیغاتی‌های حکومت را همه‌جا مورد هجوم قرار داد، تجمعات انتخاباتی‌شان را مانند دانشگاه تهران بر سرشان خراب کرد. اعتصابات و اعتراضات و بی‌حجابی را باید هر چه بیشتر گسترش داد و در یک کلام باید از این فضای فعال و پربار سیاسی در جامعه برای پیشروی بیشتر علیه کل حکومت، و برای متشکل شدن هر چه بیشتر استفاده کرد.

مردم مدت‌ها است انتخاب خود را کرده‌اند. رأی و انتخاب مردم مداوم اعتراض و اعتصاب و به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی و سرنگونی حکومت منحوس و درمانده اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ تیر ۱۴۰۳، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۴

بار دیگر انتصاب رئیس‌جمهور اسلامی در دستور کار حکومت قرار گرفته است. جنایت‌کاری سقوط کرده و قرار است جنایت‌کار دیگری جای او را بگیرد. اما همین نمایش انتخاباتی نیز به‌خاطر شرایط انفجاری جامعه، برای حکومت به معضلی تبدیل شده است. ناچار شدند از میان کاندیداها که همه از مقامات سابق و اسبق خود حکومت بودند، اکثرشان را از تیغ تصفیه بگذرانند، تا کمترین تنش‌ها که باعث شود مردم پا لای در بگذارند و بساطشان را به هم بریزند، ایجاد نشود. رئیس‌جمهور سابق، رئیس مجلس سابق، معاون اول رئیس‌جمهور سابق، نمایندگان مجلس سابق، و بسیاری دیگر از حکومتیان سابق به دلیل سایه‌روشن‌های سیاسی با خامنه‌ای و دستگاه حاکم، کنار گذاشته شدند و نهایتاً شش جنایت‌کار با سابقه، شش فرد وقیح و فاسد و منفور را که همگی ذوب در خامنه‌ای شده‌اند، پس از گذشتن از فیلترهای مختلف به‌عنوان کاندید معرفی کرده‌اند. یک اصلاح‌طلب کذابی را هم تأیید صلاحیت کرده‌اند تا تنور انتخاباتشان را لااقل در میان بالایی‌ها داغ کنند. از همین ابتدا شکاف در صفوف حکومت عمیق‌تر شده و تصفیه‌شدگان علیه شورای نگهبان موضع‌گیری کرده‌اند.

مسئله اصلی این است که این بار انقلاب زن زندگی آزادی مانند شمشیری بالای سر حکومت قرار دارد و از اینکه کوچک‌ترین شکافی میان کاندیداها ایجاد شود وحشت‌زده‌اند. ابلاغیه‌های شداد و غلاظی صادر کرده‌اند که کاندیدهایشان نه تنها دست به افشاگری علیه یکدیگر نزنند؛ بلکه حتی حق انتشار نظرسنجی در مورد انتخابات را هم ندارند. می‌ترسند که مردم از شکاف‌های بالایی‌ها وارد صحنه شوند. اما قادر به عملی کردن همین دستورالعمل‌ها هم نیستند. کاندیداها حتی توان وعده‌دادن‌های توخالی را هم ندارند و علی‌رغم اینکه یک اصلاح‌طلب را هم کاندید کرده‌اند که تنور انتخاباتشان داغ شود؛ اما فضای بالایی‌ها از همیشه سردتر است.

حکومت چنان منفور است و چنان بر دریای خشم و انزجار مردم قرار دارد که کاندیدهایشان حتی در معیت نیروی سرکوب هم جرئت رفتن به دانشگاه‌ها و سفر به شهرستان‌ها را هم ندارند و معدود تجمع انتخاباتی که سازمان داده‌اند نیز به محل محاکمه نه تنها کاندیداها بلکه به محاکمه



دولت کانادا مجوز برگزاری انتخابات قلبی به جمهوری اسلامی نداد سایر دولت‌ها هم نباید مجوز بدهند!

کشورهای دیگر هم این نمایش بی‌حقوقی مردم ایران را برگزار کنند، شرم‌آور است.

صرف نظر از اینکه دولت‌های دیگر این مجوز را به جمهوری اسلامی بدهند یا ندهند، مخالفان جمهوری اسلامی در هر جا و به هر درجه بتوانند جلو آن را خواهند گرفت. این کمترین انتظار از دولت‌ها است که مانند دولت کانادا از برگزاری این نمایش تهوع‌آور جمهوری اسلامی جلوگیری کنند.

حزب کمونیست کارگری از مردم همه کشورها می‌خواهد دولت‌ها را برای تحقق این خواست مشروع مردم ایران تحت فشار قرار دهند.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۴ تیرماه ۱۴۰۳، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴

دولت کانادا مجوز رأی‌گیری برای انتخابات قلبی ریاست‌جمهوری را به جمهوری اسلامی نداد. سایر دولت‌ها نیز باید از این تصمیم تبعیت کنند.

هر دولتی که ادعای دفاع از حقوق بشر دارد نباید به جمهوری اسلامی مجوز بدهد که این مضحکه را در آن کشور برگزار کند. این انتخابات نیست نمایش بی‌حقوقی تمام‌عیار مردم ایران است. در شرایطی که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نه خبری از آزادی بیان و عقیده و مطبوعات است و نه آزادی احزاب مخالف، در شرایطی که مطلقاً چیزی به اسم انتخابات در جمهوری اسلامی معنی ندارد و چند قاتل و جنایت‌کار ضد زن و ضد آزادی را از فیلتر گذرانده‌اند و به‌عنوان کاندید جلو جامعه گذاشته‌اند، در شرایطی که هر منتقدی با شکنجه و زندان و حتی اعدام مواجه می‌شود، در شرایطی که جمهوری اسلامی آپارتاید جنسیتی تمام‌عیاری را حاکم کرده است، مجوز دادن به این حکومت که در

در هم شکستن جمهوری اسلامی و انتخاباتش، گامی مهم در انقلاب زن زندگی آزادی که توسط مردم آزادیخواه داخل و خارج برداشته شد



جولیان آسانژ آزاد شد!

امروز چهارشنبه ۲۶ ژوئن جولیان آسانژ بنیان گذار سایت افشاگر ویکی لیکس در جزیره سایپان در نزدیکی استرالیا بعد از یک دادگاه کوتاه مدت، آزاد شد و در استرالیا کشور زادگاهش مورد استقبال قرار گرفت. قبلاً با وکیل آسانژ در مورد این دادگاه توافق شده بود که به شرط پذیرش نقض قوانین ضدجاسوسی توسط آسانژ، او می تواند فقط به پنج سال زندان یعنی همان مدتی که در انگلستان زندانی بوده محکوم شود و بلافاصله آزاد گردد. آسانژ از سال ۲۰۱۰ یعنی از ۱۴ سال پیش تحت تعقیب دولت آمریکا به خاطر افشای اسناد جنایات نیروهای این کشور در عراق و افغانستان بود و هفت سال از این مدت را در سفارت اکوادور در انگلستان پناهنده بود و پس از آن ۵ سال نیز توسط دولت انگلستان در زندان فوق امنیتی بلمارش و عمدتاً در سلول انفرادی نگه داشته شد. دادگاهی در آمریکا آسانژ را غیباً به نقض قوانین ضدجاسوسی متهم کرده بود و محکومیت ۱۷۵ سال زندان بالای سر او قرار داشت.

آسانژ به خاطر استفاده از آزادی بیان و در دفاع از آزادی بیان چهارده سال تحت تعقیب و فراری بود و نهایتاً توسط دولت انگلستان زندانی شد و رنج های بسیاری را متحمل شد که خود می تواند سوژه فیلم ها و کتاب های بسیاری باشد. دولت های آمریکا و انگلیس با تعقیب و زندانی کردن جولیان آسانژ و فشارهای غیرقابل تحمل و عظیمی که به او و خانواده اش وارد کردند، نشان دادند که حقوق بشرشان چقدر پادروها و دروغین است و هر جا با منافعشان خوانایی نداشته باشد به چه سرکوبگری تبدیل می شود.

آزادی امروز آسانژ نه به خاطر زلادآرحم و مروت این دولت ها، بلکه به دلیل فشار عظیمی بود که کارزارها و جنبش دفاع از آسانژ در جهان به آنها وارد کرد. جولیان آسانژ با سایت ویکی لیکس و افشاگری هایش دوره تازه ای را در جایگاه آزادی بیان و مدیای اجتماعی رقم زد و بدون تردید این تجربه سکوی مهمی در پیشروی جنبش دفاع از حقوق انسانی و آزادی های سیاسی خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری آزادی جولیان آسانژ و موفقیت کارزار آزادی او را به همه مردم شادباش می گوید و امیدوار است که با مبارزات و کارزارهایمان بتوانیم در همه زندان ها و شکنجه گاه ها در ایران و در هر گوشه جهان را بکشاییم و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی را آزاد کنیم.

حزب کمونیست کارگری

۶ تیرماه ۱۴۰۳، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۴

آسانژ جرمی مرتکب نشده بود؛ بلکه جنایات و اقدامات ضدانسانی علیه مردم بی دفاع را افشا کرده بود و به خاطر افشاگری هایش مورد ستایش میلیون ها نفر از مردم جهان قرار گرفت. کارزارهای بزرگ و ده ها هزار نفره ای در حمایت از او و برای آزادی اش، در کشورهای مختلف به جریان افتاد. او جایزه عفو بین الملل و جوایز دیگری را نیز نصیب خود کرد. انتشار ۷۵۰ هزار سند محرمانه از جنایات نیروهای آمریکا در عراق و افغانستان و گوانتانامو و برخی دیگر کشورها، از بمباران شهروندان غیرنظامی در این کشورها، شکنجه در زندان ها، تجاوز و فساد و هزاران اقدام غیرانسانی دیگر، جهان را تکان داد و خشم دولت آمریکا و متحدینش را علیه آسانژ برانگیخت.

آزادی آسانژ که از دیروز اعلام شد موجی از شادی را در میان کاربران



اطلاعه‌های هفته اخیر

اخبار نفت ۵

اعتصاب بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران نفت در دهه‌ها مرکز گازی و نفتی

بنا بر گزارشات منتشر شده روز گذشته دوم تیرماه اعتصابات کارگران پروژه‌های پیمانی نفت دامنه‌اش گسترده شده و هم اکنون بیش از بیست هزار نفر از این کارگران در نزدیک به ۹۰ شرکت مختلف نفت و گاز برای پیگیری مطالبات خود وارد اعتصاب شده‌اند. ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت، افزایش حقوقها و در رأس همه اینها حذف پیمانکاران مفت‌خور مطالبات فوری این کارگران است. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت ضمن گزارش این خبر می‌نویسد: "ما همچنین بر بهبود شرایط زیستی و کاری خود از جمله بهبود وضع خوابگاه‌ها، کیفیت غذا، امکان بهداشتی عمومی خوابگاه‌ها (دستشویی و حمام)، تجهیزات لازم سرمایشی، در محیط‌های کار و زیستی و ایمنی محیط کار که هر روز قربانی می‌گیرد تأکید کرده‌ایم."

ما اعلام می‌کنم که اگر به کمپین و خواست ما برای ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت پاسخ داده نشود. اگر مزد ما متناسب با درخواست‌های اعلام‌شده‌مان افزایش نیابد و تبعیض در پرداخت‌ها و شرایط کاری از بین نرود وضع از همین قرار خواهد بود و تردیدی نداریم که بخش‌های بیشتری از همکاران به اعتصاب خواهند پیوست."

در ادامه این شورا از حاکمیت چند دهه مافیای پیمانکاران در نفت و فشارهای بردوار کاری سخن گفته و هم‌صدا با دیگر بخش‌های جامعه صدای اعتراض خود را بلند کرده و می‌نویسد: "چند دهه است که حقوق کارگران نفت در زیر چنگال‌های مافیای پیمانکاران له شده است. در این صنعت مهم اصل بر دزدی هرچه بیشتر از معاش ما و زورگویی بیشتر است. یک جنگ ما با فضای پادگانی شرکت‌ها بوده است. در هیچ دوره‌ای در برنامه‌های هیچ دولت و هیچ طرح بودجه‌ای ما کارگران نفت جایی نداشته‌ایم. حتی به‌صورت وعده‌ووعید. بی‌قانونی حاکم هم ویژه مناطق اقتصادی است که نشود حرفی زد. اما همانطور که قبلاً هم اعلام کرده‌ایم دیگر بس است. به این بردگی تن نمی‌دهیم. ما مطالبه‌گریم. همانطور که بازنشستگان عزیز در خیابان فریاد زدند. همانطور که مردم صدایشان بلند شده است. حرف ما هم همین است. رأی بی‌رأی. از حقمان کوتاه نمی‌آییم."

حزب کمونیست کارگری از خواست‌ها و مبارزات کارگران نفت قاطعانه حمایت کرده و تمامی کارگران پروژه‌های نفت را به این اعتصابات فرامی‌خواند. حزب بر حمایت همه کارگران بخش‌های مختلف نفت از این اعتراضات تأکید می‌کند و از همه بخش‌های کارگری در سراسر کشور انتظار دارد که این اعتصابات را مورد وسیع‌ترین حمایت خود قرار دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ تیر ۱۴۰۳، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۴

۳ تیر: تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و معلمان در تهران

کارگر زندانی، معلم زندانی آزاد باید گردد

امروز یکشنبه سوم تیرماه مثل هفته‌های قبل بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند و در جاهایی راهپیمایی کردند. تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز، تهران، رشت و کرمانشاه برگزار شد.

در کرمانشاه بازنشستگان مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع داشتند. در این تجمع اعتراضی مثل همیشه بنرهای بازنشستگان با شعارهایی علیه فقر و بی‌تامینی و با تأکید بر اتحاد و همبستگی و حق داشتن معیشت انسانی قابل توجه بود. بازنشستگان شعار می‌دادند: "عدالتی ندیدیم، ما دیگه رأی نمی‌دهیم"، "مناظره چه خوبه، اما همش دروغه"، "آفازاده امریکاس، تورمش مال ماست"، "روسری رو رها کن، فکری به حال ما کن"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "گرانی تورم، شکسته پشت مردم"، و "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید". خودروهایی که از جلوی صف بازنشستگان عبور می‌کردند با بوق‌زدن مکرر حمایت خود را اعلام می‌داشتند و این صحنه را در شهرهای دیگر نیز شاهد بودیم.

در شوش بازنشستگان در گرمای سوزان تابستانی از شهرهای کرخه، کارون و شوش جمع شده و در مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع و راهپیمایی کردند. در این حرکت اعتراضی بازنشستگان در اعتراض به فقر و فساد و گرانی شعار می‌دادند: "نه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "بخچال بازنشسته، خالی‌تر از همیشه"، "حقوقه نصف نیمه سکوت کنی همینه"، "تورم اسفبار حاکم شده بر بازار"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، و "ننگ ما ننگ ما مخبر الدنگ ما".

در تهران یکی از بازنشستگان در رابطه با وضع بد معیشتی و سطح نازل حقوقها سخنرانی کرد. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان با شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "معلم زندانی آزاد باید گردد" صدای اعتراض خود را علیه سرکوبگری‌های حکومت بلند کردند.

در این روز بازنشستگان صنایع فولاد نیز مثل هر هفته در شهرهای اصفهان، اهواز و قائم‌شهر تجمع داشتند. در اصفهان بازنشستگان با راهپیمایی و فریاد شعارهایشان صحنه پر شوری از اعتراض ایجاد کردند و در برابر صندوق بازنشستگی فولاد تجمع داشتند. این بازنشستگان شعار می‌دادند: "فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن"، و "ظلم و ستم کافیه سفره ما خالیه".

تجمع بازنشستگان فولاد در اهواز در کیان‌پارس مقابل صندوق بازنشستگی بر پا شد. اعتراض بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی، تبعیض، فساد و چپاول و سرکوبگری‌های حکومت است. اجرای همسان‌سازی‌ها و افزایش سطح آن به بالای رقم سبد معیشت سی میلیونی، درمان و تحصیل رایگان و داشتن مسکن مناسب و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و احضار و دستگیری‌ها و بساط چپاول و غارت مطالبات سراسری بازنشستگان است.

گفتنی است که روز گذشته نیز جمعی از معلمان و کارکنان وزارت آموزش و پرورش در اعتراض به شرایط بد معیشتی و شغلی خود مقابل این وزارت‌خانه تجمع داشتند و شعار می‌دادند: "وعده وعید نمی‌خواهیم، ما حقمون را می‌خواهیم".

حزب کمونیست کارگری ایران

۳ تیر ۱۴۰۳، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۴

اخبار نفت ۵

اعتصاب بیش از ۲۰ هزار کارگر پروژه‌های نفت وارد پنجمین روز شد

امروز چهارم تیرماه اعتصاب کارگران پروژه‌های پیمانی نفت وارد پنجمین روز خود شد. بیش از بیست هزار کارگر پروژه‌های در بیش از نود شرکت

مطالبه فوری کارگران پروژه‌های پیمانی نفت است. کارگران اعلام کرده‌اند که تا پاسخ نگیند به اعتصاب ادامه می‌دهند. شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت در گزارش این خبر همه کارگران پروژه‌های پیمانی نفت را به پیوستن به اعتصاب و اتحاد و همبستگی مبارزاتی فراخوانده و انتظار خود را از حمایت همه بخش‌های کارگری از این اعتراضات اعلام کرده است. هشتگ #رای_بی_رای یک تأکید مهم این شورادر فضای اعتراضی کل جامعه علیه سیرک انتخاباتی حکومت است.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از اعتراضات کارگران پروژه‌های پیمانی نفت اعلام می‌کند و همه کارگران و مردم را به حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارگران نفت به هر شکل ممکن فرامی‌خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیر ۱۴۰۳، ۲۵ ژوئن ۲۰۲۴

اخبار نفت ۷

اعتصاب کارگران پروژه‌های پیمانی نفت در بیش از صد شرکت نفت و گاز

امروز ششم تیرماه اعتصاب هزاران کارگر پروژه‌های نفت برای پیگیری مطالباتشان وارد هفتمین روز خود شد. اعتصاب هر روز در حال گسترش است و اکنون دامنه آن به بیش از صد مرکز گاز و نفت کشیده شده و بیش از ۲۲ هزار کارگر در اعتصاب شرکت دارند. بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت تا روز گذشته بیش از شش هزار نفر از این کارگران در مناطق عسلویه و کنگان در پارس یک و دو وارد اعتصاب شده‌اند. از جمله مراکز اعتصاب در این منطقه عبارت‌اند از: پتروشیمی بوشهر، پتروشیمی صدف، پتروشیمی هرمز، پتروبالایش پیشگامان سیراف، فاز ۱۴ سایت ۱، اکسیر صنعت، آدیش جنوبی کنگان، و طرح توسعه کنگان.

اعتصاب کارگران پروژه‌های نفت سراسری است و در مناطق مختلفی کارگران دست از کار کشیده و اعتصاب کرده‌اند. افزایش حقوقها، ۱۴ روزکار و ۱۴ روز استراحت، حذف پیمانکاران مطالبات فوری این کارگران است. کارگران پروژه‌های نفت اعلام کرده‌اند که تا وقتی پاسخ نگیند اعتصاب آنها ادامه خواهد داشت.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت در گزارش خیری امروز خود می‌نویسد: "پیمانکاران چپولگر تلاش کرده‌اند که با تهدید به استخدام نیروی جدید کارگران اعتصابی را به کار بازگرداند و در صف اعتصاب شکاف ایجاد کنند. اما نه موفق با گرفتن نیروی جدید شده‌اند و نه این‌گونه ترفندها ذره‌ای در عزم کارگران و اتحاد مبارزاتی شان تأثیر دارد. کارگران تجربه اعتصابات قبلی را دارند و در مقابل این توطئه‌گری‌ها می‌ایستند. جالب‌توجه اینکه در جاهای پیمانکاران برای انجام کارهای ناتمام و بر روی زمین مانده حاضر به پرداخت مزد بیشتر برای گرفتن نیروی کار جدید شده‌اند، اما کسی حاضر به قبول کار نشده است." این شورا همچنین خبر از حمله به کارگران LNG کنگان از شرکت دریا ساحل در هنگام تخلیه کارگاه و پیوستن به اعتصاب خبر داده و می‌نویسد: "اما کارگران با این یورش مقابله کردند و موفق به ترک کارگاه شدند و در این میان متأسفانه دو نفر از کارگران مجروح شدند. امروز کارگران پروژه‌های اعتصاب نفت به بیشترین حمایت‌ها نیاز دارند. انتظار ما از کارگران شاغل در دیگر بخش‌های نفت و از همه کارگران و مردم حمایت و پشتیبانی است."

اخبار اعتراضات کارگران پروژه‌های پیمانی نفت بازتاب اجتماعی بسیاری داشته است. شورای بازنشستگان ایران طی بیانیه‌ای از این اعتراضات اعلام حمایت کرد، حزب کمونیست کارگری همه بخش‌های کارگری و کل جامعه را به حمایت از مبارزات و خواست‌های کارگران پروژه‌های نفت فرامی‌خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ تیر ۱۴۰۳، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۴

نفت و گاز به اعتصاب پیوسته‌اند. افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران مطالبات فوری سراسری کارگران است. حدود ۵ هزار کارگر پارس ۱ و ۲ (عسلویه و کنگان) نیز اخیراً وارد اعتصاب شدند. در خبر مربوط به این اعتراضات شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت می‌نویسد: "در عسلویه صحنه رقص و شادی همکاران در پیوستن به این اعتصاب زیبا بییونند. این اعتصاب تا همین‌جا فشار سنگینی بر پیمانکاران وارد کرده است. می‌دانیم که با اعتصاب ما بخش‌های دیگر نفت نیز که درگیر این اعتراض نیستند دچار اخلاص می‌شوند و هزینه‌ای برای پیمانکاران مفت‌خور می‌شود. این قدرت اعتصاب ما را نشان می‌دهد. فشار این اعتراضات در جاهای مدیران را به عقب‌نشینی واداشته، اما حرف ما این است که اعتصاب سراسری است و باید پیمانکاران مفت‌خور را در سطح سراسری به عقب‌نشینی واداریم. در جاهای همکاران مورد تهدید قرار گرفته‌اند. طبق گزارشات در جریان این اعتصاب بهرامی، فورمن استراکچر و محمد رحیمی جوشکار توسط حراست شرکت توسعه آهن و فولاد گل‌گهر دستگیر شدند و هنوز خبری از آنها نیست. با اتحاد سراسری خود پیگیر وضع این دو همکار و آزادی فوری آنها شویم. رمز پیروزی ما در اتحاد ماست. متحدانه پیگیر حق و حقوقمان شویم."

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از این اعتراضات اعلام می‌دارد، صدای کارگران نفت را منظمًا بازتاب می‌دهد و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت‌شدگان تأکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ تیر ۱۴۰۳، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴

تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات در چند شهر و یک خبر دیگر

امروز چهارم تیرماه بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی خود در شهرهای سنندج، بندرعباس، مریوان و تبریز در برابر ادارات مخابرات تجمع کردند. در کرمانشاه بازنشستگان مخابرات در تجمعات مشترک هفتگی بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی شرکت می‌کنند. اعتراض بازنشستگان به فقر، فساد، گرانی و امنیتی کردن مبارزات و سرکوبگری‌های حکومت است. بازنشستگان مخابرات همچنین به اجرائی‌نشدن آیین‌نامه استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ که می‌تواند بهبودی در سطح دریافتی‌های آنها ایجاد کنند معترض‌اند. اجرای همسان‌سازی و افزایش حقوقها به بالای رقم سبد معیشت سی‌میلیونی و درمان رایگان دو خواست سراسری بازنشستگان است.

در این روز همچنین بار دیگر مال‌بختگان شرکت خودروپی "طراوت نوین ریحان تاک" در قزوین در برابر استانداری در اعتراض به بالا کشیده شدن پول‌هایشان تجمع کردند. شرکت طراوت نوین ریحان تاک با مدیریت پاسدار محمدرضا غفاری و با همدستی سپاه پاسداران "صاحب‌الامر" قزوین وقوه قضائیه، از هزاران نفر از مردم پول‌هایشان را گرفته است؛ اما از تحویل خودرو خودداری می‌کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ تیر ۱۴۰۳، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۴

اخبار نفت ۶

اعتصاب هزاران کارگر پروژه‌های پیمانی نفت در ۹۵ شرکت نفت و گاز

اعتصاب در نفت گسترش بیشتری می‌یابد. بیش از ۲۰ هزار کارگر در اعتصاب‌اند. روز گذشته ۴ تیر شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت اعلام کرده که دامنه اعتصاب به ۹۵ شرکت نفت و گاز کشیده شده است. افزایش حقوقها، ۱۴ روز کار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱ تیر تا ۸ تیر ۱۴۰۳

جمعه ۸ تیر

نابودی محیطزیست، سیاست‌های مافیایی و چپاولگرانه حکومت در قبال زندگی و معیشت، زندگی را برای مردم خوزستان جهنم کرده است. مردم به این وضعیت اعتراض دارند.

سه‌شنبه ۵ تیر

- کارگران پروژه‌ای را کتور سازی اهواز به اعتصاب سراسری نفت و کمپن ۱۴-۱۴ پیوستند.

- یوسف بهمنی، از کارگران شناخته شده شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه در پیامی تصویری به تاریخ سه‌شنبه ۵ تیر ۱۴۰۳ به نمایندگی از کارگران این مجموعه اعلام کرد که کارگران هفت‌تپه از مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی به هیچ‌وجه حمایت نمی‌کنند و در کنار مردم ایران و مادران دادخواه هستند. یوسف بهمنی همچنین در پاسخ به آن دسته از نامزدهای انتخاباتی که از اعتبار هفت‌تپه می‌خواهند برای خود کره تبلیغاتی بگیرند، عنوان کرد که این کارها فایده‌ای ندارد و مسیر کارگران هفت‌تپه در تمامی این سال‌ها روشن است و آنها در مسیر حق و در کنار مردم گام بر می‌دارند.

- هوشنگ آل محمدی پدر زندانی سیاسی حجت آل محمدی ساکن ایذه با تودیع وثیقه یک میلیاردتومانی از زندان شیبان اهواز آزاد شد. او در هشتم خرداد در منزل شخصی‌اش بازداشت شده بود. آزادی هوشنگ آل محمدی را به او، به خانواده و همگان تبریک می‌گوییم. تمامی زندانیان سیاسی بدون قیدوشرط باید آزاد شوند.

دوشنبه ۴ تیر

- هزاران کارگر پروژه‌ای نفت برای پیگیری مطالباتشان و با سه مطالبه فوری افزایش حقوقها، ۱۴ روزکار و ۱۴ روز استراحت و حذف پیمانکاران و پیگیری دیگر مطالباتشان وارد اعتصاب هستند و ابعاد اعتصاب هر روز وسیع‌تر می‌شود. از جمله در ماهشهر، جوشکاران و فیتراه‌های پتروشیمی ایران و ژلین به اعتصاب پیوسته‌اند.

- بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی خود در شهرهای سنندج، بندرعباس، مریوان، بیجار، زنجان و تبریز در برابر ادارات مخابرات تجمع کردند. در برخی شهرها بازنشستگان مخابرات در تجمعات مشترک هفتگی بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی شرکت می‌کنند. اعتراض بازنشستگان به فقر، فساد، گرانی و امنیتی کردن مبارزات و سرکوبگری‌های حکومت است.

یکشنبه ۳ تیر

- بازنشستگان فولاد در اهواز در کبان‌پارس مقابل صندوق بازنشستگی برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی، تبعیض، فساد و چپاول و سرکوبگری‌های حکومت است. اجرای همسان‌سازی‌ها و افزایش سطح آن به بالای رقم سبد معیشت سی‌میلیونی، درمان و تحصیل رایگان و داشتن مسکن مناسب و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و احضار و دستگیری‌ها و بساط چپاول و غارت مطالبات سراسری بازنشستگان است.

- بازنشستگان تأمین اجتماعی برای پیگیری مطالباتشان، بار دیگر در اهواز و شوش دست به تجمعات اعتراضی زدند. در شوش بازنشستگان در گرمای سوزان تابستانی از شهرهای کرخه، کارون و شوش جمع شده و

همان‌گونه که انتظار می‌رفت، خالی بودن صندوق‌های رأی در شهرهای مختلف، تو دهنی مردم در سراسر کشور به حکومت و مضحکه انتخاباتش بود. در شهرهای خوزستان نیز گزارش‌ها از کسادى بساط انتخابات حکومت خبر می‌دهند. برای مثال در یک گزارش از گتوند خبر داده می‌شود که شعبه مسجد امام رضا خیابان استقلال، فقط دو نفر در صف بودند، در گتوند یک نفر، و در دزفول در شعبه خیابان جهاد بین مؤمن و جهاد مسجد صاحب‌الزمان جنوبی، کسی در حوزه نبود. این داستان انتخابات حکومت در سراسر خوزستان و سراسر کشور است.

- بازنشستگان تأمین اجتماعی به روال هر هفته برای پیگیری اعتراضاتشان به تجمعات سراسری برای روز ۱۰ تیر در شهرهای مختلف از جمله در اهواز و شوش فراخوان داده‌اند.

پنجشنبه ۷ تیر

- امان جلالی‌نژاد، معلم ساکن اهواز، به‌رغم گذشت بیش از هفتاد و پنج‌روز از زمان دستگیری‌اش، کماکان در پی‌خبری کامل خانواده‌اش در زندان شیبان این شهر در بازداشت به سر می‌برد.

- اسماعیل بخشی، فعال کارگری و زندانی سیاسی سابق در شبکه ایکس نوشت: در اتاق بازجویی کابل بود، شیلنگ بود، باتوم در رنگ‌های مختلف هم بود. مأمور به نیشخند از متهم بیچاره می‌پرسید؛ با کدوم بزمن؟! سبز (پزشکیان)، سیاه (جلیلی) یا با آبی (قالیباف)؟!، شما جای زندانی بینوا، کدام را «انتخاب» می‌کردید؟!

چهارشنبه ۶ تیر

- جمعی از کارگران هفت‌تپه طی بیانیه‌ای در رابطه با سیرک انتخاباتی حکومت نوشتند: "کارگران هفت‌تپه و جنبش کارگری، هیچ منفعتی در دفاع از نظام استثمارگر و سرکوبگر ندارند و برای ادامه و بقای آن در انتخابات سرمایه‌داران شرکت نمی‌کنند. ما به دشمنان طبقاتی مان رأی نمی‌دهیم. شرکت در انتخابات تأیید کل وضعیت و مشکلات و مشقات و مسبب آن است!"

- سیل ناشی از سرریز سد گتوند بازهم به روستاها رسید. طبق گزارشات هشت روستای حاشیه این سد در شمال خوزستان در حالی بیش از یک هفته زیر آب سد گتوند مدفون شده‌اند که بر اساس مصوبه پارسال اداره کل بحران خوزستان "شرکت آب و نیرو باید تا زمان تعیین تکلیف نهایی و قطعی امر در مرجع قضایی از استغراق منازل خودداری کند". فریاد اعتراض قربانیان سد گتوند بلند شده است. بنا بر خبرها وقتی آب بالای آید، مارها و جانوران به سمت روستا هجوم می‌آورند و مردم نمی‌توانند در آنجا بمانند. در سال اول آبگیری سد، بخشی از زمین و مراتع مردم زیر آب رفت و غرق شد و این داستان هر ساله زندگی آنهاست. هم اکنون راه دسترسی روستا، تخریب شده و زیر آب‌رفته و مسیر رفتن به مراتع هم مسدود است. از جمله روستای "تلخاب تاجدین" در شهرستان مسجدسلیمان، و خانه‌های مردم تا سقف زیر آب سد رفته‌اند.

استان خوزستان به اعتصاب هزاران نفره سراسری کارگران پروژه‌های نفت، کمپین ۱۴-۱۴ پیوستند.

جمعه اتیر

در اعتصاب سراسری کارگران پروژه‌های نفت، فیتکاران پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر پیمانکاری مرادی، داربست بندان پتروشیمی سلمان فارسی ماهشهر، جوشکاران شرکت کوهساران بهبهان خط ۴۲ اینچ مارون ۲، فیت‌های درخشان شیمی سایت ۱ ماهشهر، کارگران شرکت نوید بندر امام نیز به اعتصاب پیوسته‌اند.

۸ تیر ۱۴۰۳، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۴

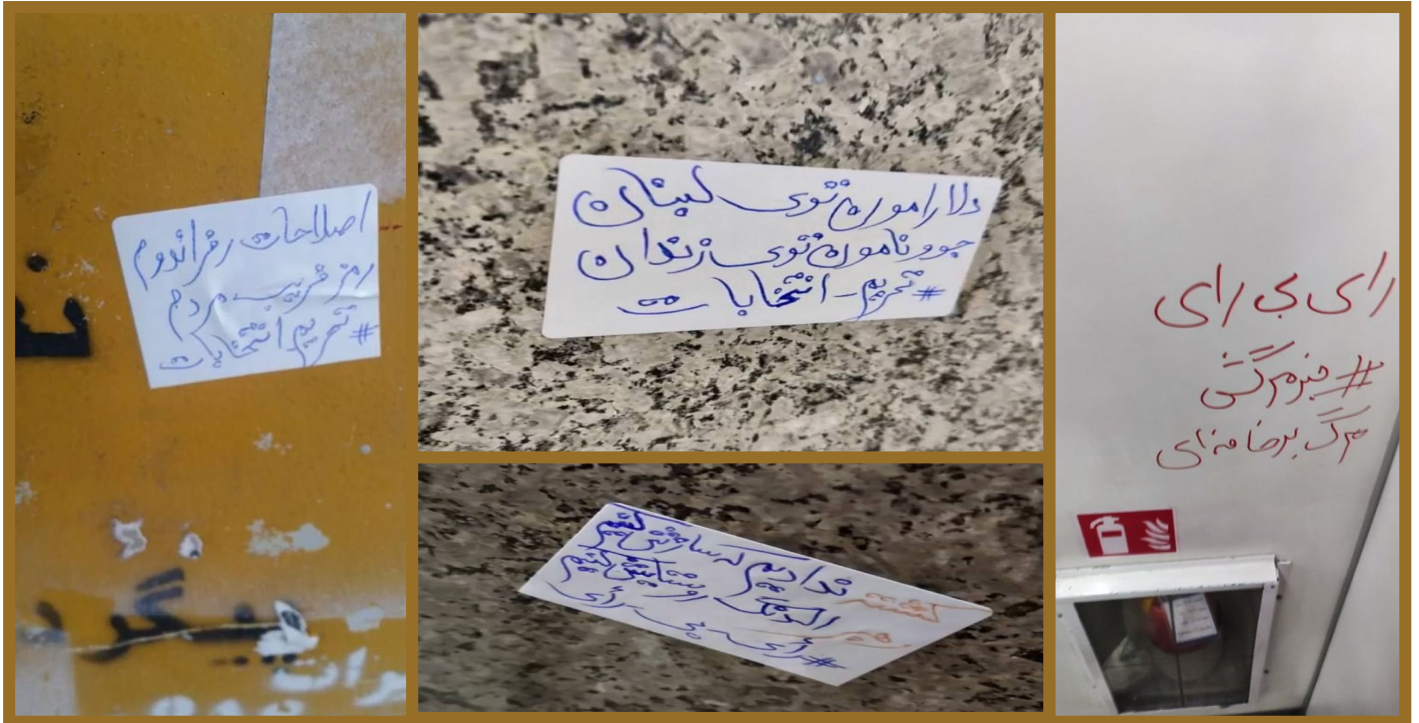
در مقابل سازمان تأمین اجتماعی تجمع و راهپیمایی کردند. درحالی‌که بخش‌های مختلف کارگری و بخش‌های مختلف جامعه با بیانیه‌های اعتراضی سیرک انتخاباتی حکومت را به سخره گرفته و با فریاد رأی ما سرنگونی است، آن را کنار گذاشته‌اند، حکومت در اوج استیصال سعی می‌کند برای این مضحکه بسیج نیرو کند. بنا بر خبرها در اهواز امکانات شهرداری‌ها و برخی شرکت‌های نفتی از جمله ۴۵ دستگاه اتوبوس و مینی‌بوس دولتی برای جابه‌جایی افراد از شهرستان‌ها به این شهر جهت شرکت در کارزار انتخاباتی جلیلی در مصلاهی نمازجمعه بکار گرفته شده است.

شنبه ۲ تیر

-کارگران پتروشیمی سلمان فارسی در منطقه ویژه اقتصادی بندر امام در



کارگر زندانی
آزاد باید گردد!



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها منتشر می‌شود

فیسبوک: www.facebook.com/wpiarn

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: [telegram.me/wpi_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: www.wpiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

anternasional@yahoo.com

milad.rabei@gmail.com

ماهواره پناه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:

پخش زنده

newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com